یکشنبه ۲ آذر ۱۴۰۴
شماره ۴۵۶۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

عملکرد دستگاه‌های مسئول در خاموش کردن حریق جنگل الیت تأسف برانگیز است

۲ هفته بازی با آتش

فاطمه قدیری
خبرنگار گروه جامعه

جنگل‌های هیرکانی الیت در چالوس، طعمه شعله‌های آتش شده‌اند. درحالی‌که برخی منابع آغاز آتش‌سوزی را در دهم آبان‌ماه و برخی دیگر ۲۴ آبان اعلام می‌کنند، بخشی از این میراث ۵۰ میلیون‌ساله درحال نابودی است. طبق گفته منابع رسمی آتش‌سوزی که ابتدا به صورت لکه‌ای محدود و قابل کنترل جلوه می‌کرد، اما با گذشت هرروز، به دلیل وجود پوشش گیاهی خشک، بادهای مخالف و صعب‌العبور بودن منطقه به اوج خود رسیده و به بحرانی گسترده تبدیل شد. این زیست‌بوم که یکی از میراث‌های ملی و جهانی طبیعت ایران است، طی میلیون‌ها سال شکل گرفته و حضور گونه‌های نادر گیاهی و جانوری آن، اهمیت حفاظتی و محیط‌زیستی بی‌نظیری به آن بخشیده است. با این حال، ضعف ساختاری و کمبود تجهیزات اطفای حریق در این مناطق کوهستانی، بار دیگر ضعف سیستم مدیریت بحران کشور را نمایان کرد.

در روزهای نخست آتش‌سوزی، نیروهای منابع طبیعی، محیط زیست و مردم محلی تلاش کردند لکه‌های اولیه آتش را مهار کنند، اما فقدان ناوگان و تجهیزات تخصصی هوایی و زمینی، انتقال آب با قاطر و نبود مسیرهای دسترسی عملیات را به‌کندی پیش می‌برد. تنها پس از چند روز، بالگردها و هواپیماهای ایلوشین نیروی هوافضای سپاه وارد عمل شدند و با ده‌ها سورتی پرواز، توانستند مهار نسبی آتش را رقم بزنند، هرچند که گزارش‌ها حاکی از شعله‌ور ماندن بخش‌هایی از جنگل تا روزهای بعد بود، ولی به دلیل آمارهای ضدونقیض ارائه‌شده از سوی مسئولان، تصویر روشنی از شرایط وجود نداشت. درنهایت در روز گذشته و با تأخیر قابل توجه مسئولان، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در منطقه حضور پیدا کرد و اخباری مبنی بر لزوم به‌کارگیری تمامی ناوگان و دریافت کمک‌های خارجی، برای تکمیل عملیات مهار حریق منتشر شد. اقدامی که اگرچه ضروری بود، اما سؤالی اساسی را مطرح می‌کرد، آیا ضعف در تجهیزات، کمبود ناوگان عامل اصلی استمرار بحران بوده است یا کوتاهی در اقدام به‌موقع؟

این آتش‌سوزی نه‌تنها ارزشمندترین زیست‌بوم شمال کشور را تهدید کرده، بلکه تصویری بی‌پرده از ناکارآمدی، تأخیر و ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول ارائه داده است. جنگل‌های هیرکانی میراثی ملی و جهانی در حال سوختن هستند و این پرسش باقی می‌ماند که آیا تجارب پیشین و هشدارهای متعدد، قرار است همچنان نادیده گرفته شوند یا سرانجام ساختاری کارآمد و پیشگیرانه جایگزین واکنش‌های پراکنده و دیرهنگام خواهد شد؟

ظرفیت مدیریت بحران با نیازهای میدانی همخوانی ندارد

آتش‌سوزی جنگل‌های هیرکانی الیت از همان آغاز نشان داد که فاصله‌ای عمیق میان گستره واقعی بحران و امکاناتی که برای مهار آن فراهم شده وجود دارد. منطقه‌ای که در شیب‌های صخره‌ای، پوشش برگی تا ارتفاع یک متر و مسیرهای دشوار قرار گرفته، به تجهیزاتی نیاز داشت که بتواند در چنین جغرافیایی پاسخگو باشد؛ اما واقعیت میدانی خلاف این را نشان می‌داد. با وجود آنکه برخی مدیران استانی در ساعات اولیه مدعی «عدم کمبود تجهیزات» شدند، داده‌های ثبت‌شده و گزارش نیروهای حاضر در صحنه تصویر دیگری را ارائه می‌کند؛ عملیات از همان ابتدا در شرایط کمبود ابزارهای بنیادین آغاز شد.

تنها منبع ثابت آب در منطقه، چشمه «دراکینگ» بود. انتقال آب از این نقطه تا محل آتش، نه با خودروهای تخصصی یا پمپ‌های فشارقوی، بلکه با قاطرهایی که چهار مخزن ۲۰ لیتری حمل می‌کردند انجام می‌شد. مسیرهای دیگری که امکان عبور قاطر نداشتند، تنها با حمل دستی دبه‌های آب توسط نیروها پوشش داده شده بود. این یعنی بخش بزرگی از انرژی نیروی انسانی، به‌جای تمرکز بر اطفای مستقیم، صرف رساندن حداقل آب به محل درگیری می‌شد. حجم این آب نیز در مقابل آتشی که در لایه‌های عمیق برگ‌ها، تنه‌ها و کنده‌های نیم‌سوخته گسترش یافته بود، عملاً قطره‌چکانی محسوب می‌شد. در مرحله نخست آتش‌سوزی، هیچ نشانه‌ای از ناوگان واکنش سریع هوایی وجود نداشت. نیروهای زمین‌محور با ابزارهای دستی مشغول مهار لکه‌هایی بودند که با کوچک‌ترین تغییر باد دوباره شعله‌ور می‌شدند. همین عدم دسترسی به تجهیزات مناسب سبب شد شعله‌هایی که می‌شد در همان ساعات اول کنترل کرد، به‌تدریج گسترش یابد. البته با تشدید آتش، تعداد نیروها از ۲۲ اکیپ به ۴۰ اکیپ و سپس طی مراحل بعدی تا حدود ۴۰۰ نفر افزایش یافت؛ اما این افزایش زمانی رخ داد که آتش وسعت بیشتری گرفته بود؛ به طوری که وقتی در روز دوشنبه عملیات هوایی وارد شد، شدت باد باعث شد هلی‌کوپتر اعزامی نتواند مأموریت خود را کامل کند؛ که خود تصویر واضحی از این مسئله است که هم تجهیزات زمین‌محور ناکافی بود و هم توان مانور هوایی در شرایط باد شدید محدود.

ساختار رسمی مدیریت بحران هنوز به ظرفیت مردمی تکیه می‌کند

هم‌زمان با آشکار شدن ابعاد کمبود تجهیزات، یک واقعیت دیگر نیز خود را به‌وضوح نشان داد؛ اینکه آتش‌سوزی الیت فقط یک حادثه محلی نبود. منطقه‌ای که شعله‌ها در آن فعال شده بودند، بخشی از جنگل‌های هیرکانی با قدمت تا ۵۰ میلیون ساله است؛ زیست‌بومی که در سطح ملی هم از حیث ارزش حفاظتی و هم از نظر نقش آن در پایداری اقلیمی، جایگاهی ویژه دارد. همین ویژگی باعث شد آتش‌سوزی الیت به‌سرعت از یک بحران شهرستانی فراتر رود و به موضوعی ملی تبدیل شود؛ بحرانی که هر ساعت از گسترش آن برابر بود با از دست رفتن بخشی از یک ذخیره‌گاه طبیعی غیرقابل جایگزین.

در این شرایط، نیروهای مردمی نقشی محوری پیدا کردند. از ساعات ابتدایی، داوطلبان محلی، کوهنوردان، انجمن‌های محیط‌زیستی و گروه‌های خودجوش از نقاط مختلف استان مازندران به منطقه رسیدند و بسیاری از مسیرهای صعب‌العبور را که برای نیروهای رسمی دشوار بود، پوشش دادند. حضور آنان تنها جنبه افزایش نفرات نداشت؛ بلکه شناخت محلی از مسیرها، چشمه‌ها و نقاط حساس جنگل باعث شد در بخش‌هایی که امکان تردد با تجهیزات محدود بود، کار اطفای نقطه‌ای و پاک‌سازی با سرعت بیشتری انجام شود. این حضور مردمی چه در انتقال تجهیزات و چه در خاموش‌کردن لکه‌ها بخشی از بار عملیاتی را از دوش نیروهای رسمی برداشت و در برخی نقاط مانع از پیشروی آتش شد.

ماموران محیط‌زیست نیز از همان روزهای نخست به‌صورت مستقیم پای کار بودند؛ چه در قالب نیروهای پایش که وظیفه شناسایی لکه‌های پنهان و خاموش‌نشده را برعهده داشتند و چه در قالب تیم‌هایی که روی مهار آتش در مناطقی تمرکز کردند که احتمال خسارت به زیستگاه‌های حساس حیات‌وحش بیشتر بود. بخشی از بار اصلی عملیات لکه‌یابی و اطمینان از خاموشی کامل، بر دوش همین گروه بود؛ چون پدیده «گرم شدن دوباره کنده‌ها» یکی از چالش‌های بزرگ الیت در هر دو مرحله آتش‌سوزی بود. در کنار این‌ها، هلال‌احمر با چندین نوبت عملیات امدادی و پشتیبانی وارد منطقه شد. بر پایه اعلام رسمی، ۱۷ تیم عملیاتی شامل ۶۷ نفر همراه با ۴۱ نفر از کارکنان هلال‌احمر مازندران و ۲۳ نجات‌گر داوطلب در عملیات حضور داشتند. هلال‌احمر علاوه بر پشتیبانی زمینی، یک فروند بالگرد نیز در ناوگان ترابری خود فعال کرد و مجموعه‌ای از چهار آمبولانس، ۹ خودروی کمک‌دار و دو خودروی سبک را برای انتقال نیرو، تجهیزات انفرادی و پشتیبانی عملیاتی به منطقه فرستاد. جمع‌بندی این عملیات گسترده در کنار نیروهای مردمی و محیط‌بانان، حجم قابل‌توجهی از حضور انسانی و هوایی را نشان می‌دهد که در شرایطی کم‌سابقه و فشار زمانی بالا، سعی داشتند مانع گسترش حریق بیش از «هفت تا هشت هکتار» شوند.

گسترش ناوگان پروازی ضعف ظرفیت اولیه را آشکار کرد

پس از گذشت یک هفته از تداوم آتش و عدم آغاز اقدامات تهاجمی، با شدت‌گرفتن حریق و ناکافی بودن عملیات زمینی، نقش اطفای هوایی با تمام امکانات تازه به محور اصلی مهار آتش تبدیل شد؛ مرحله‌ای که در آن ظرفیت‌های پروازی نیروهای مسلح کشور وارد میدان شدند. آن‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهد از همان سه روز نخست، ابتدا سه فروند بالگرد در منطقه فعال بودند و توانستند بخشی از شعله‌ها را مهار کنند؛ اما با وزش باد مخالف و خشکی شدید پوشش گیاهی، آتش دوباره اوج گرفت و ناوگان هوایی به‌سرعت تقویت شد. به‌مرور تعداد بالگردها به ۶ تا ۷ فروند رسید؛ شامل بالگردهای اطفایی، بالگردهای «هلی‌بورن» برای انتقال نیروهای عملیاتی به ارتفاعات، و بالگردهای حمل تجهیزات و پشتیبانی. در کنار این ناوگان، هواپیمای ایلوشین با ظرفیت ۴۰ تن آب نقشی تعیین‌کننده داشت. این هواپیما در دو نوبت در روز جمعه آب‌پاشی سنگین انجام داد و روز بعد نیز «دو تا سه نوبت» دیگر عملیات را تکرار کرد تا در مجموع دست‌کم چهارتا پنج مرحله آب‌ریزی گسترده از ارتفاع بالا انجام شده باشد. هر بار پس از آب‌ریزی ایلوشین، بالگردهای اطفایی وارد شکاف‌ها و دره‌های صخره‌ای می‌شدند تا مهار نقطه‌ای کانون‌ها کامل شود؛ روندی که عملاً «ترافیک هوایی» نادری را بر فراز ارتفاعات الیت رقم زد. هم‌زمان با اوج‌گیری دوباره آتش، سه فروند بالگرد MI-۱۷ وزارت دفاع نیز با بسکت‌های ۴ هزار لیتری وارد منطقه شدند؛ اقدامی که پس از درخواست مستقیم سازمان مدیریت بحران و محیط‌زیست صورت گرفت. طبق گفته مدیرکل بحران مازندران، تا میانه هفته، ناوگان فعال به ۶ بالگرد و یک ایلوشین رسیده بود و تعداد سورتی‌پروازها بیش از ۶۰ سورتی توسط پنج فروند بالگرد ثبت شد؛ آماری که برای منطقه‌ای با این سطح صعب‌العبوری کم‌سابقه است. در برخی روزها هم‌زمان پنج بالگرد اطفایی و دو هواپیمای ایلوشین در حال عملیات بودند. در ادامه، با توجه به فرسایشی شدن حریق و نگرانی از سرایت آن به یال‌های بالادست، درخواست کمک خارجی نیز مطرح شد. بر اساس تأیید مقامات محیط‌زیست و مدیریت بحران، دو فروند هواپیمای آب‌پاش و یک بالگرد از ترکیه به همراه هشت نیروی متخصص آماده اعزام شدند؛ هواپیماهایی که قابلیت آبگیری مستقیم از دریا دارند و برای شرایط آب‌وهوایی سخت طراحی شده‌اند.

چه چیزی موجب لزوم درخواست کمک از همسایه خارجی شد؟

اگر اخبار یک هفته اخیر درخصوص بحران آتش‌سوزی جنگل‌های هیرکانی الیت را بررسی کنیم، با آمار و گزارش‌های متناقضی از سوی منابع رسمی مواجه می‌شویم که خود یکی از دلایل سردرگمی و بی‌اعتمادی اذهان عمومی است. درحالی‌که مردم محلی و نیروهای حاضر در منطقه از گسترش شعله‌ها در نقاط صخره‌ای و صعب‌العبور خبر می‌دادند و حتی دسترسی نیروهای حرفه‌ای و صخره‌نوردان در برخی مسیرها غیرممکن بود، برخی مقامات رسمی اظهاراتی متفاوت ارائه می‌کردند، برای نمونه، سه‌شنبه هفته گذشته، حسین‌علی محمدی، مدیرکل مدیریت بحران استان مازندران اعلام کرد ۸۰ درصد آتش‌سوزی مهار شده است؛ اما تنها یک روز بعد، گزارش‌ها حاکی بود که آتش هنوز شعله‌ور است و نیاز به اعزام هلی‌کوپترها و هواپیمای ایلوشین نیروهای مسلح وجود دارد. طبق اطلاعیه صبح روز جمعه، هواپیمای ایلوشین با ظرفیت ۴۰ تن آب دو مرحله آب‌پاشی انجام داد. هم‌زمان، پنج فروند بالگرد نیز برای اطفای حریق به ارتفاعات الیت اعزام شدند. روز جمعه، استاندار مازندران، مهدی یونسی رستمی، اعلام کرد که «۹۵ درصد از آتش‌سوزی مناطق جنگلی الیت مهار شده و تنها بخش کمی به‌صورت لکه‌ای در حال سوختن است.» در مقابل، گزارش‌های مردمی و شاهدان عینی حاکی بود که شعله‌ها هنوز در نقاط مختلف، به‌ویژه در لایه‌های برگ‌های انباشته و کنده‌های خشک، فعال هستند و کنترل کامل حریق هنوز محقق نشده است. تناقض در اعداد و روایت‌ها، موجب شد علاوه بر سردرگمی عمومی، تصمیم‌گیری برای بسیج نیروها و تخصیص ناوگان هوایی و زمینی کند شود. در شرایطی که هر روز تأخیر می‌توانست دامنه آتش را گسترش دهد، نبود یک آمار دقیق و یکپارچه، هم برنامه‌ریزی برای عملیات اطفا را دشوار می‌کرد و هم باعث شد مسئولان مجبور شوند بعد از چند روز، به تکاپوی جدی برای اعزام بالگردها، هواپیماهای ایلوشن و حتی کمک خارجی روی بیاورند که همین موضوع سؤالات جدی درباره مدیریت بحران داخلی ایجاد می‌کند. اگر تجهیزات و ناوگان داخلی ناکافی بودند، چرا مسئولان از همان روزهای نخست واکنش جدی نشان ندادند؟ چرا رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست بیش از ۸ روز بعد از شدت‌گرفتن حریق به محل آمد؟ و چرا با وجود هشدارهای مردمی و شواهد عینی، روند ارسال تجهیزات و امکانات تا این حد تأخیر داشت تا مجبور به دریافت کمک خارجی برای این بحران شویم؟

نیروهای داوطلب و محیط‌بانان جای خالی مسئولان را پر کردند

در طول زمان آتش‌سوزی و تلاش بخش‌های مختلف برای نجات‌بخشی از گنجینه محیط زیستی کشور، غیبت طولانی و غیرقابل‌توجیه مسئولان ارشد دولت در صحنه حادثه بیش از هر چیزی به چشم می‌آمد. برای بسیاری از نیروهای حاضر در منطقه، این پرسش از همان روزهای ابتدایی مطرح بود که چرا با وجود شعله‌ور بودن آتش در محدوده‌ای حساس از جنگل‌های هیرکانی، هیچ مقام ارشد اجرایی یا محیط‌زیستی برای ارزیابی میدانی بحران حاضر نمی‌شود. اوج این انتقادها زمانی بود که مشخص شد رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست پس از حدود هشت روز از شدت‌گرفتن حریق وارد منطقه شده است؛ حضوری که عملاً پس از عبور از مرحله حساس اولیه و پس از اوج‌گیری فشار افکار عمومی صورت گرفت. این تأخیر، فقط مسئله «زمان» نبود؛ برای نیروهای عملیاتی، نبود فرماندهی و نظارت مستقیم از سوی نهاد تخصصی کشور در بحران جنگلی، باعث گسست جدی در هماهنگی‌ها و شکل‌گیری روایت‌های متناقض شد. در همین فاصله، بخش زیادی از ارتباطات، توضیحات و حتی مدیریت انتظارات عمومی به‌جای مقامات مسئول، از طریق نیروهای داوطلب، محیط‌بانان محلی و گزارش‌های پراکنده رسانه‌ها انجام می‌شد. در سطح دولتی نیز واکنش‌ها نه‌تنها دیرهنگام، بلکه ناهماهنگ و ناکافی بود. انتظار می‌رفت مسئولانی مانند معاون اول رئیس‌جمهور یا وزیر کشور با حضور سریع و اتخاذ تصمیمات عملیاتی، شرایط را کنترل کنند؛ اما دستورهای عملیاتی و بسیج منابع تا جمعه گذشته به تأخیر افتاد. نمونه بارز این تأخیر، انتشار پیام معاون اجرایی رئیس‌جمهور، محمدجعفر قائم‌پناه، در شبکه اجتماعی ایکس بود؛ پیامی که پس از چندین روز سکوت رسانه‌ای منتشر شد و نه‌تنها راهبرد مشخصی ارائه نکرد، بلکه هیچ‌گزارش روشنی از وضعیت بحرانی، نیازهای عملیاتی منطقه یا اقدامات لازم نداشت، حتی اشاره‌های کوتاه به استفاده از کمک‌های خارجی نتوانست خلأ تصمیم‌گیری سریع در افکار عمومی را پر کند و تنها منجر به بی‌اعتمادی بیشتر شد. این تأخیر و فقدان شفافیت، به‌وضوح نشان می‌دهد ساختار مدیریت بحران کشور هنوز قادر به واکنش هماهنگ، سریع و مؤثر در مواقع اضطراری نیست و میراث طبیعی ایران که طی میلیون‌ها سال شکل گرفته، همچنان در معرض تهدید مستقیم و جبران‌ناپذیر قرار دارد.

دانشنامه فارغ‌التحصیلی اینجانب سیدجلیل هامونی فرزند سیدعلی‌اکبر به‌شماره شناسنامه ۴۶۶۷۴ و شماره ملی ۰۹۳۱۳۴۳۰۹۷ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی رشته مدیریت صنعتی صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال به‌شماره ۱۶۹۵۱۵۷۰۲۹۸۱ مورخ ۹۶/۰۵/۲۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی: تهران - بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه - خیابان شهید صدوقی - بلوار وفادار - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

آگهی دعوت به مجامع عمومی فوق‌العاده و عادی به طور فوق‌العاده
کانون بازنشستگان سازمان حفاظت محیط‌زیست با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۸۵۳۰- به استناد مواد ۱۲ و ۱۰ اساسنامه از اعضای محترم کانون دعوت می‌شود در جلسه مجمع‌عمومی فوق‌العاده نوبت اول که در ساعت ۹ صبح با دستور جلسه (تصویب تغییرات در مفاد اساسنامه) و جلسه مجمع‌عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت اول که در ساعت ۱۰ صبح با دستور جلسه (۱-گزارش اجرائی و مالی هیئت‌مدیره و بازرس ۲-اطلاع‌رسانی از طریق روش‌های الکترونیک ۳-تعیین حق عضویت ۴-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازرس) در روز یکشنبه، مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ در محل سالن سرو واقع در بزرگراه حکیم، پارک طبیعت پردیسان برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند. بدیهی است چنانچه در جلسه نوبت اول مجامع عمومی تعداد شرکت‌کننده به حدنصاب لازم (۱+نصف) نرسد، به استناد مفاد مواد ۱۲ و ۱۰ اساسنامه جلسه مجمع‌عمومی فوق‌العاده در ساعت ۹ صبح و جلسه مجمع‌عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ در سالن سرو، در آدرس بالا برگزار خواهد شد. هیئت‌مدیره کانون

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضیان واقع در قریه سیاهکلا پلاک ۴۷ اصلی بخش ۱۶
۴۱۷۴ فرعی به‌نام آقای امیرمحسن نبی‌زاده نسبت به سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۳۴۸/۵۸ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقای قنبر قدوسی نژاد مالک رسمی
۴۱۷۴ فرعی بنام خانم سحر رمضان‌نژاد نسبت به سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۳۴۸/۵۸ متر مربع خریداری مع‌الواسطه از آقای قنبر قدوسی نژاد مالک رسمی
لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رأی هیات الصاق تا درصورتی که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲
میم الف: ۲۰۴۳۳۴۷
مرتضی قاسم‌پور - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر

مدرک فارغ‌التحصیلی فرنوش خمیسی فرزند ناصر به شماره شناسنامه ۲۰۴۸ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی زراعت و اصلاح نباتات صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۳۸۳۱۰۶۰۰۷۹۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی موقت ندا رنجبر فرزند محمدرسول به شماره شناسنامه ۱ صادره از خمین در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی علوم سیاسی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۱۳۵۳ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی روح‌اله فرشادزاده فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۱۸۳۰۲۶۶۷۸۰ صادره از ایذه در مقطع کاردانی رشته تحصیلی کارهای عمومی ساختمان صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۳۹۵۱۰۶۰۳۱۱۱ مورخ ۱۳۹۶/۶/۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹